

هیمنه صهیونیست ها در هم شکست



عکس: محمد حسن حایلی/انصار

تنظیم: سکینه تاجی

اتفاقات این روزهای جهان وحمله غافل گیرکننده فلسطین به مواضع رژیم صهیونیستی نه تنها موجب خوش حالی مسلمانان ، بلکه باعث شادمانی همه مستضعفان جهان شد، حادثه ای بزرگ که جریانات رسانه ای در مواجهه با آن دچار امواج مختلفی هستند. درباره جنگ فلسطین و رژیم صهیونیستی باید به چند نکته اساسی توجه کرد.

● حماسه آفرینی جبهه مقاومت برابر قلدرها

اول اینکه فلسفه این خوش حالی برای حامیان ملت مظلوم فلسطین چیزی فراتر از نفرت از صهیونیسم است. شبیهاتی که هم اکنون در فضای رسانه از جانب مخالفان جبهه مقاومت مطرح می شود، پاسخ های روشنی دارد. اینکه مدعی هستند کشتار خوش حالی ندارد یا به ویژه این ادعا که حماس نیز در کشتار غیرنظامیان قرقی با رژیم صهیونیستی ندارد یا اظهاراتی با این مضمون که این حملات باعث پاسخ کوبنده رژیم صهیونیستی شده است و مناطق مسکونی نیز آسیب دیده و دست آخر دوباره فلسطینیان قربانی شده اند. در پاسخ باید گفت علت خوش حالی ما کشتار نظامیان صهیونیست توسط حماس نیست. آن چیزی که واقعا باعث خوش حالی ماست، شجاعت و حماسه آفرینی جبهه مقاومت فلسطین برابر رژیم سفاک صهیونیستی است، به عنوان جبهه ای که همیشه مظلوم واقع شده است. ما خوش حالیم که آن موضع دفاعی همیشگی و گاه انفعال، به چنین تهاجمی تبدیل شده است. جریان تهاجمی غافل گیرکننده ای که باعث رعب وحشت رژیم شد و حساب کار را دستش داد که این فلسطینی دیگر آن مظلوم توسری خور سابق نیست که با سنگ قصد جلوگیری از پیشروی قلدرانه تانک و بولدوزر را داشت. حالا اما جوانان این نسل دیگر نخواسته اند منفعل باشند، رفته اند به جنگ قلدرها. حالا هم زخمی شده اند هم تلفات داده اند و طرف مقابل هم جواب محکمی شاید داده است. دوباره می پرسند این را تلفات و این گوشمالی خوش حالی دارد؟ خیر، خوش حالی

بابت غیرتی است که آن جوان به خرج داده و بالاخره برخاسته و کاری کرده است با در نظر گرفتن همه عواقبش.

● کودک کشی و مظلوم نمایی با رسانه

نکته دوم اینکه باید به مظلوم نمایی طرف رژیم صهیونیستی در این قضایا توجه کرد. رهبر معظم انقلاب نیز در سخنان اخیرشان به این نکته اشاره کردند. سیاست رسانه ای که اکنون این رژیم دنبال آن رفته، جلب توجه جهانی به نفع خودش است، درحالی که تا قبل از این برابر رفتارهای دژخیمانه اش به هیچ عنوان به کسی پاسخگو نبود و برابر اعتراض ها به کودک کشی های بی شرمانه اش، بی پرده و اکنش نشان می داد که اگر لازم باشد بازهم می کشیم. در جنگ سابق غزه هم مردم مظلوم این منطقه را به فجیع ترین شکل قربانی کردند، اما به هیچ نهادی پاسخگو نبودند. از مقامات رژیم صهیونیستی کسی صریحا اعلام کرد که شاهد بوده است در جنگ غزه بمباران را در ساعتی آغاز می کردند که کودکان از مدرسه برمی گشتند و در کوچه و خیابان بودند. حالا ببینید این رژیم، با چنین پیشینه ای از جنایت روی آورده است به اینکه مظلومانه از جهانیان می خواهد اقدامات جبهه مقاومت فلسطین را در کشتار غیرنظامیان رژیم صهیونیستی محکوم کنند.

● شگردهای جدید صهیونیستی

نکته بعدی شناخت و موضع گیری درست برابر این مظلوم نمایی است، اینکه خودمان متوجه باشیم و دیگران را نیز از افتادن در دام این شگرد آگاه کنیم. از چند جهت باید به این جریان رسانه ای توجه کرد، اول اینکه باید دقت کنیم که چه کسی دارد این مظلوم نمایی را انجام می دهد؟ کسی که بیشترین جنایات را مرتکب شده و ضرب المثل شده است به عنوان یک رژیم کودک کش. صهیونیست ها هنگام بمباران غزه مدرسه و بیمارستان و مراکز مردمی را به عمد هدف قرار می دهند. حالا چنین رژیمی

چگونه می تواند از انسانیت و منع کشتار غیرنظامیان دم بزند؟

دوم اینکه توجه کنیم و این سؤال را از آن ها بپرسیم که آیا حماس دارد به مثنی مردم عادی بی خبر از جنگ حمله می کند یا نه، به برخی از افرادی که شانه دیگر این رژیم سفاک هستند حمله برده است؟ اینجا باید گفت ما نه تنها با یهودیان سراسر جهان، بلکه حتی با یهودیان ساکن در فلسطین هم مشکلی نداشتیم. خود فلسطینیان نیز مشکلی نداشتند. از قدیم در این سرزمین مسلمان و مسیحی و یهودی در کنار هم بودند. درگیری اکنون فقط با رژیم صهیونیستی است که آمده است با قلدری و وحشیگری این سرزمین را غصب کرده و حالا مدعی است که فلسطینیان خودشان زمین هایشان را واگذار کردند! چرا باید چنین باشد؟ این از بزرگ ترین دروغ های تاریخ معاصر است. کل معامله ای که با فلسطینی ها کردند، شاید برای ۵ درصد از مقدار این سرزمین هم نبوده است. بقیه پیشروی ها با زور و کشتار صورت گرفته است. کسانی که اکنون ساکنان مناطق اشغال شده اند، خودشان مجرم اند. فلسطینی ها صاحبان اصلی این سرزمین اند که سال هاست از صهیونیست ها می خواهند از اینجا بروند، اما اکنون این شهامت را پیدا کرده اند که با زبان دیگری صحبت کنند. به غاصبان گفته اند یا از خانه ما بروید بیرون یا بلایی به سرتان می آوریم! همه ساکنان مناطق اشغالی حامی و متحد رژیم صهیونیستی و هم سو و هماهنگ با سیاست هایشان

هستند. پس عملا به اندازه رژیم متهم و مقصرند. در روزهای گذشته هم مشخص شد که همه این ساکنان موظف به جنگ و اقدام نظامی هستند و نمی توان اسم شهروند عادی روی آن ها گذاشت.

● شکست جبران ناپذیر

سوم اینکه باید دانست جبهه مقاومت غزه به قصد کشورگشایی تهاجم نکرده است. آن ها سال هاست در محاصره اند و برای نجات خود و شکست این حصر دست به تهاجم زده اند و در این حملات، همچون دیگر جنگ ها کسانی غیر از نیروهای نظامی نیز

شکسته شده اند. این خیلی متفاوت است با آنکه صهیونیست ها دقیقا غیرنظامیان را هدف می گیرند. مدرسه، بیمارستان، مراکز عمومی و مردمی را بدون هشدار قبلی هدف قرار داده اند، درحالی که حماس تا به حال بدون هشدار قبلی حمله ای صورت نداده است.

در انتها باید گفت به اهمیت و عظمت این اتفاق به شکلی ویژه باید توجه کرد. این تهاجم نه تنها یک شکست همه جانبه برای رژیم صهیونیستی بود، بلکه به تعبیر رهبر معظم انقلاب یک شکست جبران ناپذیر نیز بود. جبران ناپذیر از چه نظر؟ از جهت جمع جہات اطلاعاتی و امنیتی و نظامی. تادقایقی پس از شروع جنگ، طرف رژیم صهیونیستی هنوز نمی دانست که چه اتفاقی افتاده است. از جهت مرزبانی نیز هرگز تصور نمی کردند فلسطینیان توان عبور از دیوارهای آهنی مرز را داشته باشند. از جهت فناوری نظامی نیز شکستی مفتضحانه بود. چرا که رژیم صهیونیست مدعی بود گنبد آهنین نفوذناپذیر است و فناوری را دارای اش توان ردیابی همه حملات هوایی را داراست و دیدیم که در دقایق شروع جنگ چه اتفاقاتی افتاد.

● شکست هیمنه رژیم صهیونیست

همه این ها در نهایت شکست هیمنه صهیونیسم است که مهم ترین قسمت ماجراست. حالا هر چقدر که رژیم صهیونیست با قدرت بیشتری پاسخگوی حملات باشد، بازهم بی فایده است، چرا که تماشای ضعف او در لحظات ابتدایی جنگ حتی برای مدت کوتاه، باعث شکست شکوه و هیمنه ای شد که سال ها برای ساختن آن تلاش کرده بود. علاوه بر این، خودباوری ایجاد شده در جبهه مقاومت هم بسیار ارزشمند است. حماس مدعی شد که این تازه بخشی از توان نظامی به کار گرفته شده برابر رژیم صهیونیست بوده است، پس اگر همه گروه های مخالف صهیونیسم با همه توان خود وارد عمل شوند، چه خواهد شد؟ این سؤال امیدبخش است. بنابراین، قدر این حادثه بزرگ را باید دانست و باید دعا کرد، دعا برای نصرت جبهه مقاومت و ذلت و نابودی صهیونیسم. دعای جوشن صغیر، دعای سیفی صغیر، سوره مبارک یاسین، سوره مبارک فتح و سوره مبارک شحرر سفارش بزرگان ماست برای قرائت در چنین وضعی.



این دست است که به افزایش تاب آوری منجر خواهد شد. اکنون سؤال مهم این است که تاب آوری در جامعه ما تا چه میزان است و آمادگی جامعه برای مدیریت بحران هایی که وقوع آن ها اجتناب ناپذیر می نماید. تا چه اندازه است؟ بی مدیریت، نبود زیرساخت های مناسب، نبود آموزش صحیح افراد در رویارویی با بلایا و نداشتن امکان دسترسی آسیب دیدگان به کمک های بین المللی مواردی از پایین بودن میزان تاب آوری جامعه ای مانند افغانستان است که می توان درس های بسیاری از آن گرفت.

چشماتن روشن

چشماتن روشن

خبرهایی که حال دلمان را خوب می کند
برای ما ارسال کنید

به قول قدیمی ها، آدمیزاد به امید زنده است. برای امیدواری بهانه که هیچ، دلیل ها هم فراوان اند. می گوید نه؟ کافی است هر روز به «چشماتن روشن» سری بزنید و به خبر خوشی که از میان انبوه خبرهای خوب هر روز انتخاب کرده ایم، نگاهی بیندازید. کوچک یا بزرگ، فرقی نمی کند، اگر شما هم خبر خوشی دارید، با ما در میان بگذارید تا با کمک همدیگر، حس خوب زندگی را باهمشهریانمان به اشتراک بگذاریم. راه ارتباطی مان، مستقیم و نزدیک است. کافی است به شماره ۰۹۱۵۸۲۳۴۹۶۶ پیامک بدهید تا در کوتاه ترین زمان با شما تماس بگیریم و چشم مردم رابه خبر خوشتان روشن کنیم.

یادداشت

ما ودغدغه های دیگران



دکتر مهدی باقری اصل

خیلی عجله داشتیم. باید به یک جلسه مهم کاری می رفتم. کمی دیر شده بود و تا آخر رسیدن اصلا صورت خوشی نداشت. سعی می کردم با رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی با سرعت بیشتری حرکت کنم. از دور چشمم به چراغ افتاد که سبز است و هر لحظه ممکن است زرد یا قرمز شود. خودروبی جلوتر از من بود. چند بار چراغ دادم، توجه نکرد و به اصطلاح راه نداد. بوق هم که زدم، مسیر را باز نکرد. حتی عاقدانه یک باره سرعش را به گونه ای کم کرد و مسیر مرا

بست تادو نفری پشت چراغ قرمز بمانیم. خیلی ناراحت شدم. ولی خودم را به شدت کنترل کردم. کنار خودرو او که قرار گرفته، شیشه را پایین داد و گفت: چه خبر است؟ سر می بری؟ چرا این قدر بوق می زنی و خلاصه با تشر و ناراحتی کلی حرف بازم کرد. من که کاملا بر خودم مسلط شده بودم، به آرامی وبا لبخندی گفتم باور کن هیچ خبری نیست، اصلا قصد سبقت گرفتن یا جا گذاشتن شما رانداشتم، فقط کمی عجله دارم. همین. خیلی غیرطبیعی است که یک نفر عجله داشته باشد؟ برای خودت پیش نمی آید؟ کاش امروز که من عجله داشتیم، شما راه را باز می کردی و به من کمک می کردی که زودتر به مقصد برسم تا فردا روزی که به هر دلیلی شما عجله داشتی، دیگران مراعات حال شما را نکنند. از شما چه پنهان، گویی حرف هایم در او اثر کرد. سرش را پایین انداخت و درحالی که چراغ سبز شده بود، چند ثانیه به نشان احترام زد و گفت حق باشماست، عذرخواهی می کنم.

دغدغه های دیگران در ادامه مسیر، گویی جلسه و تأخیر احتمالی رسیدن به مقصد را فراموش کرده باشم، صرفا فکرم به این اتفاق و رفتار راننده لجباز بود. با خودم گفتم چرا نباید در زندگی اجتماعی و خانوادگی مان ملاحظه دیگران را هم بکنیم، به احساسات و نیازهای هم نوعان خود احترام بگذاریم و دغدغه های آن ها برای ما هم مهم باشد. یکی استرس دارد، دیگری فرزندش بیمار است، مسلمانن بدهکار است. فرد دیگری افسرده یا حالش گرفته است و خلاصه زیر آسمان این شهر مردمان بی شماری هستند که ممکن است به دلایل مختلف حال خوبی نداشته باشند. اگر آن روز زمان خوبی- خوشی و آرامش ما بود، چه اشکالی دارد این حس خوب و مطلوبیت را به دیگران هم انتقال دهیم. اگر هر یک از ما در این اوضاع برای همان آدم های معدود و محدودی که با ما در ارتباط هستند، این اصل را رعایت کنیم، اثرات بسیار خوبی بر افزایش رضایتمندی عمومی و بهبود نظام اجتماعی خواهد داشت. ما همه به هم ربط داریم، بخواهیم یا نخواهیم در عرصه اجتماعی و جامعه بزرگی که در آن زندگی می کنیم، حس و حال ما روی دیگران اثر می گذارد و از آن ها نیز تأثیر می پذیریم. پس چرا نباید احساس تکلیف کنیم و دست کم اگر به آن ها کمک نمی کنیم، مراعات دیگران را بکنیم، هواپشان را داشته باشیم و مسیر حرکتشان را آسان کنیم.

● مراعات یکدیگر

«شناخت وظیفه، پایه و پیش نیاز» انجام وظیفه، است. انسان ها در جامعه نسبت به یکدیگر «حقوق و وظایف متقابل» دارند. شناخت این حقوق و انجام آن ها و مراعات دوجانبه، ضامن تسخیر روابط و سالم سازی معاشرت ها و زدودن کدورت ها و کاهش اختلاف ها و گله مندی هاست. فراموش نکنیم، آدمی را اهمیت لازم است، پس در جامعه انسانی و زندگی اجتماعی، به جز با مراعات، حال دیگران و جامعه نمی شود. وضع رفتاری عمومی سامان نمی یابد و جامعه اصلاح نمی شود. به عنوان مثال، والدین نسبت به فرزندان و فرزندان نسبت به پدر و مادر وظایفی دارند. زن در برابر شوهر و شوهر در برابر زن، تعهداتی دارد. فرمانده و سرباز، نسبت به هم حقوق و وظایفی دارند. دو شریک یا یکدیگر، کارگر و کارفرما، رئیس و مرئوس، معلم و شاگرد، همسایه با همسایه، مشاور و فراجع، خویشاوندان و ارحام، برادران و خواهران نسبت به هم و... نمونه های دیگری از ارتباط های اجتماعی هستند که هر کدام نسبت به هم محدوده و مجموعه ای از تکالیف را دارند که باید اول آن ها را بشناسیم. دوم به آن ها عمل کنیم و سوم رویه و روندی متقابل و دوجانبه برای آن در نظر بگیریم.